

۱۶ آذر	۲۹ آذر	۲۷ دی	۲۷ بهمن	۱۲ اسفند
<p>اسفندیار فره‌باغی پرکشید</p> <p>صدای انقلاب جاودانه شد</p>	<p>ایرج اعتصام درگذشت</p> <p>مرد معماری اسلامی</p>	<p>فقدان علی اکبرپور اسطغی</p> <p>بهتوون ایران درگذشت</p>	<p>صدای ساز حسن ناهید خاموش شد</p> <p>صدای سوز نی</p>	<p>ایرج کلانتری درگذشت</p> <p>بدرود شهر با یارش</p>

ای سال نو

میلاد کیایی، موسیقیدان پیشکسوت

این نوروز متفاوت است

من عاشق آن مرد می هستم که علاقه مند به هنر، ادب، ادبیات، فرهنگ و تمام ویژگی های ایران عزیزمان هستند. من میلاد کیایی الان از ۷۸ سالگی عبور کردم و روزگار رفته را دیگر ندارم و این که چقدر دیگر زندگی خواهم کرد را هم نمی دانم و به لطف خدای مهربان که در قلب ماست، امیدوارم، به همین دلیل از مردم عزیزم می خواهم که شاد زندگی کنند. امیدوارم خدا دل خوش را از ما نگیرد، چون دل خوش نه خرج دارد و نه زحمت، یک پدیده الهی یا با عیارتی بهتر، یک لطف الهی است. من بارها دوستانی را دیده ام که از روزگار گله مندند و ابراز ناراضایی کرده اند. من همیشه به این دوستان می گویم عزیزان من چرا آن قدر گله دارید و از نداری و مشکلات شکوه می کنید. وقتی با آنها صحبت می کنم و از دارایی های شان می گویم تازه متوجه می شوند که چقدر نگاه شان به زندگی منفی بوده مثلاً به آنها می گویم یک کامیون پر از صد دلاری بود چه سالانه چند کشور است، حاضر بودید الان یک کامیون پر از ۱۰۰ دلاری به شامی می دادند و در ازای آن دو چشم تان را می گرفتند؟ به سرعت می گویند هرگز. می گفتم پس شما تروتی دارید بیشتر از بود چه سالانه چند کشور. به همین دلیل در آغازین روزهای سال بد نیست تمرین کنیم که یک مقدار حق شناس و سپاسگزار آنچه داریم باشیم. ما همه اش به نداری ها فکر می کنیم. برخی زمستان از هوای سرد ناراحت می شوند و تابستان از هوای گرم، به عقیده من اگر این فرهنگ شکوه کردن و طلب کاری را از خودمان دور کنیم، می بینیم چقدر خوشبخت و ثروتمندیم. من هر روز صبح که از خواب بیدار می شوم، اولین کاری که می کنم شرک گذاری خداست. امید دارم این نوروز با نوروزهای دیگر متفاوت است، باید خوشبین تر بود. من به آینده خیلی امیدوارم، با عشق می گویم عزیزان من، به ویژه جوانان گرامی فقط امیدوار باشید.

در انتها با دو بیت از آخرین شعری که هنرمند دوست داشتنی بیژن طریفی که افتخار دوستی با ایشان را حدود ۶۰سال داشتم به پایان می برم؛

غم مخور خورشید اگر رفته
توی ابر سياه

غم مخور چندی اگر تيره شده
چهره ماه

غم مخور سپیدی سحر مباد
شب انتظار ما به سر مباد

بازم آفتابی میشه
شباهمتابی میشه

رضا بانگیز، نقاش پیشکسوت

تابلوی حسین شیخ، کنار سفره هفت سین

یکی از مراسمی که قبل از عید صورت می گرفت و برای آن ذوق داشتیم شب چهارشنبه سوری بود و مثل حالا این بساط خطرناک ترقه و نارنجک وجود نداشت و هرخانه ای خیاطی داشت و این مراسم را با قاشق زنی و پیریدن از روی آتش و خوردن آجیل به انجام می رساندند. حالا چنین جشنی را کشورهای دیگر از روی ما برداشت کردند و به شکل صحیح تری برگزار می کنند. به عبارتی در کشورهای دیگر شهرداری ها مواد بی خطر را می سازند و میان مردم توزیع می کنند تا کمترین آسیب به مردم وارد شود. اگر شهرداری ما هم وسایل آتش بازی را خودش بسازد و در اختیار مردم قرار دهد، خیلی بهتر است و شادی جمعی سالمی شکل می گیرد. هنگام نوروز با این که جزو طبقه مرفه نبودیم، خیلی به ما خوش می گذشت. سالی یک بار از طرف دبستانی که می رفتم به ما لباس هایی با دوخت خیلی بد می دادند. به عنوان مثال، نصف آستین لباس پاره و پارچه های آن به قدری زخم و خاکستری بود که گردن مان را زخم می کرد. سرشانه ها هم به دلیل نبود چرخ خیاطی در آن زمان خوب نبود یا این که تک وشلوارمان خیلی تنگ یا گشاد بود اما خیلی ذوق داشتیم و به این چیزها فکر نمی کردیم. پول های پس اندازشده ما را خانواده جمع می کرد و یک کفش لاستیکی می گرفت و شب بالای سرمان می گذاشتیم تا این که صبح آن را بیوشیم. در آن زمان ذوق و شادی زیادی داشتیم و اصلاً متوجه رنج، غم و نداری نبودیم. منتظر بودیم که زودتر سفره عید چیده شود و یک نفر بیاید و به ما یک پنج راری عیدی بدهند و این برای ما اندازه ۵۰۰میلیون تومان ارزش داشت.

طاهر شیخ الحکمایی، مجسمه ساز باسابقه:

فرهنگ همیاری سمنوپزان می تواند بین مردم تعمیم یابد

نوروز به‌طور طبیعی زیبا و به معنای روز نوست و حتی اخلاق و رفتار آدم ها متفاوت می شود و امروز داشتیم به این فکر می کردم که چقدر در بهار همه چیز تغییر و تحول پیدا می کند و روی رفتار و کردار آدم ها تأثیر مثبت دارد. دوران کودکی و جوانی ام را در کازرون به سر بردم که همیشه در اولین ساعات بهاری گل های زیبای لاله وحشی، بابونه و بهارنارنج شکوفه می دهد و تمام اینها فضای بسیار زیبایی را ایجاد می کند و همیشه خاطره بهار را با بوی بهارنارنج دارم. مسافران نوروزی که از شیراز به سمت جنوب و کوه های تنگه ابوالحیات سرازیر می شوند، منام شان پر از بوی بهارنارنج می شود و این خاطره خیلی خوبی برایم هست. امسال حدود ۵۰۰ میلی متر بارندگی داشتیم و این منطقه بسیار سرسبزتر از گذشته است. مادر محله ای از کازرون ساکن بودیم که تمام فامیل تقریباً دور هم بودیم و خوشبختانه همیشه روابط خانوادگی ما حسنه بود. عشق آدم این بود که روز عید شود و خانواده، فامیل، دایی ها و عموها به ما عیدی بدهند. من توصیه می کنم به بهارنه ای و عیدی، اعم از عید فطر و نوروز به بچه ها عیدی بدهند و این سنت زیبای هدیه دادن را نباید فراموش کنیم، هنگام نوروز مادرم و زن عموها جمع می شدند و شیرینی های عید را می بختند و نان های شیرین، برنجک و تمام تنقلات لازم برای شب عید را در خانه درست می کردند. یادم می آید قبل از عید مادرم به همراه فامیل گندم را برای سمنو سبز می کردند و یک دیگ بزرگ می گذاشتند و هر خانواده ای از همسایه ها یک کاسه آرد می آوردند و شب تا صبح تمام فامیل و همسایه دور هم جمع می شدند و سمنو را تا صبح هم می زدند و فردا، حدود دویزبر کاسه آرد به آنها سمنو می دادند. امسال هم به احتمال زیاد به دلیل این که هوای آنجا مساعد است و همه تعطیل هستند و عروسی ها در این فصل زیاد است و دید و بازدیدها به‌طور طبیعی انجام می شود به کازرون خواهم رفت. بالاخره مدتی خانواده ها به دلیل ضرورت کاری، دانشگاهی یا مهاجرت و بیماری کرونا نتوانستند کنار هم باشند و در دوران عید دور هم جمع می شوند و یکدیگر را می بینند و خاطرات زنده می شود. در زمان های گذشته مردم به بهانه های مختلف دور هم جمع می شدند، یا هلیوم درست می کردند یا گوسفند قربانی می کردند و مراقب احوال یکدیگر بودند و این یک سنت تاریخی ایرانی و اسلامی است که باید حفظ شود.

مهوش صبرکن، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون

آرامش و آسایش در خانه تک تک ایرانیان

روزهای پایانی سال را می گذرانیم و ایرانی ها در هر جای دنیا در تلاش هستند تا از آداب و رسوم نوروز جانمانند. من و همسر (محمود پاک نیت) بعد از ۱۴ سال نوروز را به شیراز آمدیم تا در کنار خانواده های مان سال را نو کنیم. چند روز بیشتر به تحویل سال جدید نمانده اما ما سبزه را سبز کردیم، ماهی و گل و باقی مواردی که برای سفره هفت سین لازم است را خریدیم و همه توان مان را در هر چه بهتر اجرا کردن رسم و رسومات گذاشتیم. چرا که ما موظف هستیم سنت های مان را به نسل های بعد انتقال دهیم. هیچ اشکالی ندارد اگر یک

یک هفته مانده به عید سفره هفت سین را به رغم کاستی هایی که وجود داشت، می چیدیم و همه چیز را جور می کردیم اما یادم هست کسانی که خانواده مرفه داشتند تابلوی «هفت سین»، اثر حسین شیخ از شاگردان کمال الملک را به همراه شمع و ماهی کنار سفره هفت سین خود قرار می دادند. در گذشته ماهی بی گناه را داخل تنگی مربع شکل و محدود می انداختند و هیچ فضایی برای گشتن او در نظر نمی گرفتند، حالا ما با گذشت زمان متوجه شدیم که ماهی قرمز برای محیط زیست مان خوب نیست. غیر از تمام این ها، مراسم عیدی و دید و بازدید خانواده خیلی لذت بخش بود و دوست داشتیم که عده ای احوال ما را می پرسند. متأسفانه امروز به دلیل مشغله های مختلف و گرانی اجناس این مراسم که برای مردم شادی، امید و حال خوب به ارمغان می آورد، کم رنگ شده و حتی بعدها امکان دارد بی رنگ شود.

من کتابخوان حرفه ای هستم، یادم هست مدت ها طول کشید تا رمان هفت جلدی «غرش توفان» الکساندر دوما را بخوانم ولی حالا به دلیل گذران سال ها، مشغولیت فکری و گرانی کمتر می توانم مطالعه کنم اما همیشه مطالعه کردن را به ویژه در این ایام به جوانان به ویژه هنرمندان توصیه می کنم. معتقدم هنرمندی که بخواهد در زمینه حرفه ای خودش فعالیت کند، باید آسوده خاطر باشد تا اثری زیبا و بامعنی خلق کند. بنابراین، این روزها قعداری خوشنویسی انجام می دهم، خسته می شوم و کمی از فضای مجازی استفاده می کنم و به کمک این فضا می توانم شهرهای دنیا، فضای کرات، ستاره ها و سیاره های منظومه شمسی را ببینم. سال (۱۴۰۱ برای ما خیلی خوب نبود، چون دخترم را از دست دادم و می توان گفت امسال تقریباً عیدی نداریم اما بهترین آرزوها را برای مردم کشور دارم.

مهوش وقاری، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون

ایرانیان مردمانی سرزنده و شاداب هستند

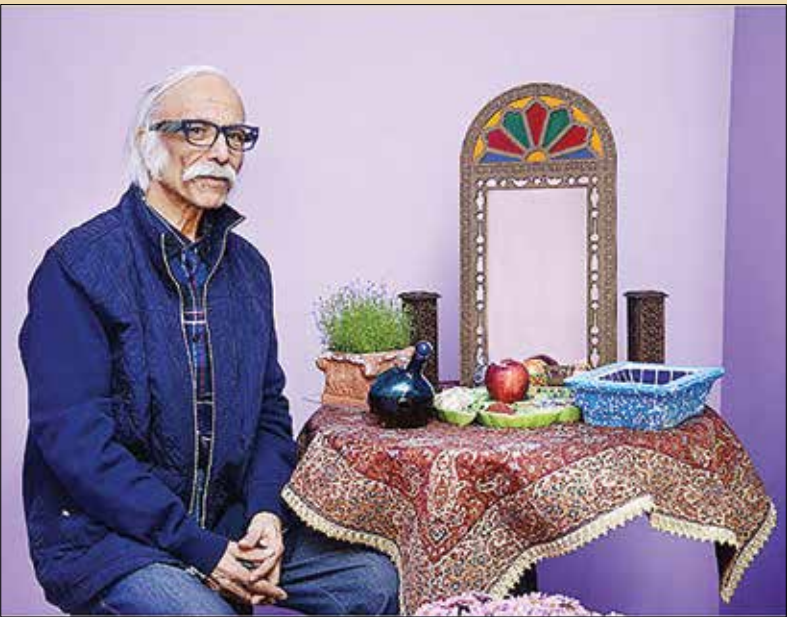
نوروز مراسمی دیرینه و کهن است که فایده برای استقبال از آن به بهترین شکل آماده باشیم. نوروز همیشه همراه با سنت های خوب و اصیل ما ایرانی ها بوده، مثل خانه تکانی، عیدی دادن، دید و بازدید، سفره هفت سین و... با آمدن نوروز یاد سال نو و حس خوب و تازه که انرژی خیلی خوبی به همراه دارد، می افتم. امسال اما شرایط زندگی شخصی من خوب نبود. برادر و پدرم را همین امسال و پشت هم از دست دادم و لحظه ای نیست که یاد خاطرات شان نیفتم، یاد سال های گذشته می افتم که همه فامیل سر سفره هفت سین دور هم جمع می شدیم، همین که عطر بهار لاله لای درختان می بیچد، بوی زندگی و تازگی پراکنده می شود و احساس تازگی بر طبیعت حاکم می شود. همیشه وقتی جوانه زدن درختان را می دیدم به نظرم می رسید که زندگی تازه شده. امسال امانه تنها خودم بلکه اطرافیانم هم خیلی مشتاق آمدن نوروز نیستند. در حالی که نام نوروز به خودی خود شادی بخش است. حتی با جوان ترها که صحبت می کنم خیلی افسرده هستند و انگار نوروز برای شان هیچ معنایی ندارد. در این خودم دگی، فضای مجازی و گاه ها اندوهی که غلومیز در آن انتشار داده می شود هم بی تاثیر نیست. نمی دانم چرا بعضی ها به جای شادی و امید، غم را منتشر می کنند. الان همه خیابان ها شلوغ است و مردم مشغول دوندگی های شب عید هستند. همین مسأله برای من تناقض به وجود می آورد. کسی که اشتیاق آمدن نوروز را دارد چرا باید از سویی دیگر

در محاوره های روزمره آن قدر دم از ناامیدی بزند!

این در حالی است که ایرانیان از گذشته های دور مردمانی سرزنده و شاداب بودند و از هر مناسبتی برای شادی و کنار هم بودن استفاده می کردند که نوروز مهم ترین آنها بوده است. حتی نوروز به قدری نماد فرهنگی مهمی است که به عنوان یکی از آثار معنوی ایران در یونسکو به ثبت رسیده است. در فرهنگ ایرانی ها ابراز علاقه کردن یا گفتن دوست دارم جای چندانی ندارد اما زمان سال تحویل به قدری انسان هیجان زده و احساساتی می شود که تا خود آگاه بیشتر محبتش را بروز می دهد. خدار حمت کند همسر (محسن قاضی مرادی) را؛ انسان بسیار شوخ طبعی و خنده رویی بود. سال تحویل زمانی که مادرم به او می گفت قاضی سرت را جلو بیاور برایت اسپند دود کنم به قدری هیجان زده می شد که گریه می کرد و من فکر می کنم تازه دارم روحیات او را می شناسم. امیدوارم سال جدید حال دل همه مردم خوب باشد و سال خوب و پربرکتی پیش روی مان داشته باشیم.

بچه موقع رنگ کردن تخم مرغ های هفت سین، جایی را رنگی کند. من خودم هنوز با ۶۲ سال سن یادم می آید مادرم به ما می گفت لحظه سال تحویل، تخم مرغ ها را روی آینه بچرخانید. نمی دانم فلسفه این کار چه بود اما همین که در خاطرم مانده و می توانم آن را به جوان ها بیاموزیم اتفاق خوشایندی است. عاشق سبزه سبز کردن و تهیه و وسایل سفره هفت سین هستم اما به خانه تکانی شب عید اعتقاد چندانی ندارم؛ چون به نظرم جالب نیست که مردم همه چیز را به شب عید موقوف کنند. خانه همیشه باید تمیز و مرتب باشد. دو هفته پیش هم مراسم سمنوپزان را با تعداد زیادی از فامیل و آشناهای مان برگزار کردیم که بسیار دلچسب بود. از دیگر مراسم شیرازی ها (به خصوص قدیمی ترها) این است که برای ناهار یا شام در ایام نوروز حتما شکرپلو یا همان شیرین پلو را سر سفره جلوی مهمان بگذارند. شکرپلو غذای مجلسی شیرازی هاست که به مناسبت های مختلف پخته می شود و با شیرین پلو تفاوت هایی دارد.

قاب



بهار مرانقاش کرد

محمد ابراهیم جعفری، نقاش فقید که همواره یاد خوش و روحیه شاداب او به یادگار مانده، می‌گفت: فصل بهار مرانقاش کرد. بر ورجرد فضاهایی داشت که در بهار خیلی سایه‌سار بود و من همیشه حتی به بهانه درس خواندن به این فضاها می‌رفتم. به این فضاها خیلی فکر می‌کردم. به خانه که می‌رسیدم، دوست داشتم بفهمم این درخت‌های زیبا چطور ریزو کاغذ تصویر می‌شوند به همین دلیل آنها را می‌کشیدم و خیلی زود توانستم پرسپکتیو را با همین درخت‌ها کشف کنم. معلمی برای نقاشی نداشتم اما می‌دیدم که هر چه دورتر را می‌بینم، درخت‌ها کوچک‌تر می‌شوند پس به همین شکل آنها را می‌کشیدم. فکر می‌کنم بهار در جان آدم جوانه می‌زند و اگر کسی یاد گرفته باشد که غم مال آدم مزاد نیست، می‌تواند با این بهار همراه شود.

تئاتر

۱۴۰۱ سال پر حاشیه تئاتر

سال ۱۴۰۱، سال خلاصی حوزه‌های فرهنگ و هنر و ادب از ویروس کرونا بود و آنچه حضور در تجمعات را مانع شده بود و باعث ایجاد محدودیت، تقریباً از بین رفت و رونق دوباره به سالن ها برگشت. در این میان، حوزه هنرهای نمایشی هم اگر چه با افت وخیزهایی همراه بود اما می توان سالی را که در روزهای پایانی اش هستیم، سالی پر رونق به ویژه به لحاظ کیفی برای تئاتر ایران دانست و گفت برگزاری جشنواره های استانی، منطقه ای و در نهایت جشنواره فجر پایانی قابل تأمل برای این تورنمنت تئاتری رقم زد. اما نباید از این موضوع نیز بگذریم که سال ۱۴۰۱ با حاشیه هایی هم همراه بود.

اولین تنش سال از آخرین روزهای فروردین با توقیف نمایش خونین زار، آغاز شد. البته پس از چهار ماه نمایش های دیگری همچون «آن سوی آینه»، «شب شک»، «دختران بابا آنتون»، «و چند داستان دیگر» و «شب شک» نیز به دلایل مختلف یکی پس از دیگری توقیف شدند. در میان این آثار «مخاطب» یا شک جنجالی ترین توقیف سال بود؛ نمایشی که به طرز عرابی به ترویج خشونت می پرداخت و در حالتی بسیار وقیحانه تمایلات دیوانه وار جنسی را تصویر می کرد.



فیلم کوتاه

آنچه بر فیلم کوتاه گذشت

فیلم کوتاه سال ۱۴۰۱ یکی از پربارترین سال های خود را پشت سرگذاشت یا به عبارت دیگر بهتر است از فعل می گذارد یا سبزی می کند استفاده کنیم؛ چرا که حتی همین روزهای پایان سال هم پنجمین اردوی فیلمسازی ایده تا تولید که از ۱۵ اسفند در کاشان شروع شده تا ۲۳ اسفند ادامه داشت.

فعالیت مستمر فیلمسازان عرصه فیلم کوتاه در نقاط مختلف کشور- چه در قالب انجمن سینمای جوان، چه نهادهای دیگر و در فضای مستقل فیلمسازی- اتفاقات خوبی را در این حوزه رقم زد و نوید آینده ای درخشان هم داد. البته تنوع و گستردگی فعالیت های فیلم کوتاه به قدری پربار است که نیاز در این نگاه اجمالی نمی گنجد. در سال ۱۴۰۱ بیشترین جوایز سینمایی و بیشترین حضور بین المللی را در عرصه سینمای کوتاه شاهد بودیم که بسیار ارزشمند است.



کیونرکد را اسکن کنید